

رابطه دین و اخلاق

(برگرفته از کتاب: نظام اخلاقی اسلام)

ابتداء بهتر است مفاهیم این موضوع تبیین شود.

دین: هدایت و معرفتی است که بر گرایش و احساس و اعتقاد و عمل تاثیر می گذارد.

اخلاق: خوی و صفاتی ریشه دار در انسان است که بر خواست و پندار و رفتار و گفتار تاثیر می گذارد: اخلاق این گونه به عمل و قول و حال و احساس و اندیشه و پندار گره می خورد.

علم اخلاق: دانشی است که به این صفات و خوی ها و افراط و تفریط ها و روابط عملی و کاربردی می پردازد.

مکاتب اخلاقی: که با روش های متفاوت و مبانی متفاوت و دیدگاههای متفاوت روی خوبی و بدی کار می کنند (یعنی ملاک خوبی و بدی را روشن می کنند) و بر فساد و خطا و گناه تاثیر می گذارند.

فلسفه اخلاق: بررسی مفاهیم خوبی و بدی و معیارها و ارزش ها و ثبات و نسبییت و مبانی اخلاق از عقل و نفع و پاداش و عشق و ترس و عادت و تطوری (تحولی) که بر اخلاق در طول تاریخ عارض شده است را به عهده دارد.

فلسفه علم اخلاق: بررسی تحولات علم اخلاق از یونان و روم و هند و چین و ژاپن و آفریقا تا یهودیت و مسیحیت و اسلام و تا اخلاق عقلی و مستقل از دین و تا اخلاق برخاسته از دین در بینش فیلسوفان امروز... را به عهده دارد.

نظام اخلاقی: نظام و رشته و رابطه ای است که میان علم و قواعد و روش ها و دیدگاه ها و واقعیت فساد و گرایش های منحط و خوی و خلق و حال و اندیشه و عمل و قول هماهنگی برقرار می کند. در واقع حال و احساس و اندیشه و خیال و قول و فعل و خوی و صفات آدمی را تبدیل می نماید.

در موضوع مورد بحث با توجه به تبیین مفاهیم و اصطلاحاتی که گذشت، با این توجه که اگر دین را به معنای احکام بگیریم، به معنای وحدت احکام اخلاقی و احکام دینی خواهد بود و رابطه دین و اخلاق این طور معنا می شود.

و اگر دین را به معنای اعتقاد به مبداء و معاد و جزاء و پاداش بگیریم، رابطه متحول و متزلزل مبانی اخلاق و جریان های دینی در طی دوره ها و شرایط و فرهنگ های مختلف برقرار خواهد شد.

در واقع اگر دین به اعتقادات و عبادات و اخلاقیات تفسیر شود و اعتقاد به مبداء و معاد در جزاء و پاداش موثر باشد، ناچار به نوعی ارتباط متزلزل میان اخلاق و دین می رسیم که بر اساس تحول شرایط و دوره های عقلی و علمی و دوره های تاریخی و حوزه های جنسی و اقتصادی، وضعیت متفاوتی خواهد داشت و چه بسا به تناقض در ادیان تعبیر شود.

اما اگر دین به معنای هدایت و معرفتی باشد که بر گرایش و احساس و اعتقاد و عمل تاثیر می گذارد و با نظام تربیتی و نظام معرفتی به نظام اخلاقی می رسد، در این صورت وضع عوض خواهد شد؛ چون نظام اخلاقی دینی با ترکیبی از معرفت و محبت و نیت و عمل و عادت، به تبدیل رذائل می پردازد و دیگر دستور نمی دهد، که زمینه می سازد و بهره می گیرد و در هنگام شکست به توبه و شفاعت و جبران می پردازد.

در واقع هر مرحله از اسلام و ایمان و تقوا و احسان و اخبات و سبقت و قرب و لقاء و رضوان با احکام و روش ها و انگیزه ها و مبانی متفاوتی همراه است که در واقع تحول در مبانی و انگیزه ها به تحول در تکالیف و احکام و برخوردها می انجامد؛ چه با خود و چه با دیگران، چه با فکر و خیال و وهم و خوف و حزن و امید و یاس خود و یا دیگران.

دین با این مبانی به ترکیب معرفت و عشق و نیت و عمل سالم و مستمر با واقعیت صفات و حالات و رفتارهای آدمی روی خواهد آورد و او را به داد و ستد مستمر و رشد و خسر مستمر نزدیک خواهد ساخت.